t.me/DaneshSad

درس دهم: فصل شکوفایی

دیروز اگر سوخت ای دوست غم، برگ و بار من و تو امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو

قلمرو زبانی: نکات دستوری: دیروز: قید/ اگر: حرف ربط وابسته‌ساز/ سوخت (سوزاند): ماضی ساده/ ای: نشانه ندا/ دوست: منادا/ بعد از منادا، فعل به قرینه معنایی حذف شده است./ غم: نهاد مصراع اول/ برگ و بار: مفعول (واو میانوند)/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ امروز: قید/ می آید: مضارع اخباری/ از: حرف اضافه/ باغ: متمم/ بوی: نهاد/ بهار: مضاف‌الیه/ من: مضاف‌الیه مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه مضاف‌الیه/ ترکیب‌های اضافی: برگ و بار من/ برگ و بار تو/ بوی بهار/ بهار من/ بهار تو

قلمرو ادبی: دیروز: مجاز از قبل از انقلاب (حکومت پهلوی)/ غم سوخت : استعاره مکنیه/ دیروز، امروز: تضاد / باغ: استعاره از وطن/ بهار: استعاره از دوران پر اُمید انقلاب، نمادآزادی/ برگ و بار: استعاره از استعدادها، امیدها و آرزوها / بار، بهار: جناس / باغ، بار: جناس/ برگ و بار را سوزاندن: کنایه از نابود کردن/ بوی بهار می آید: کنایه از فرارسیدن زمان پیروزی/ من و تو: مجاز از ایرانیان / بو: مجاز از اثر و نشانه/ برگ و بار، بهار، باغ: مراعات نظیر

قلمرو فکری: ای دوست! اگر پیش از انقلاب، غم و اندوه ظرفیت‌ها و جلوه‌های زندگی ما را سوزاند و نابود کرد، امروز (پس از انقلاب) بوی آزادی در این کشور، به مشام می رسد.

(مفهوم: مژده آمدن بهار پیروزی - از بین رفتن سختی ها و امیدوار بودن به آینده)

آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟

قلمرو زبانی: معنای واژه‌ها: برزخ: حد فاصل میان دوچیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت.

نکات دستوری: آنجا: قید/ در: حرف اضافه/ آن: صفت اشاره/ برزخ: متمم/ سرد: صفت/ در: حرف اضافه/ کوچه‌های: متمم/ غم: مضاف‌الیه /و: واو عطف / درد: معطوف به مضاف‌الیه/ غیر از: حرف اضافه/ شب: متمم/ آیا: قید پرسشی/ چه: مفعول/ می‌دید: ماضی استمراری/ چشمان: نهاد/ تار: صفت/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ بیت یک جمله است./ ترکیب‌های وصفی: آن جا/ آن برزخ/ برزخ سرد/ چشمان تار/ ترکیب‌های اضافی: کوچه‌های درد/ کوچه‌های غم/ چشمان من/ چشمان تو/ در مصراع دوم، دو ادات پرسش (چه، آیا) برای یک جمله ذکر شده که ایراد نگارشی دارد.

قلمرو ادبی: برزخ سرد: نماد و استعاره از ایران دوران پهلوی/ شب: نماد ظلم و ستم/ کوچه های غم و درد: اضافه تشبیهی / شب و تاریکی: مراعات نظیر/ سرد و درد: جناس ناهمسان/ سرد: ایهام ← ۱- سرد (چون فصل زمستان انقلاب پیروز شد.) ۲- بی روح و افسرده / کوچه: مجاز از شهر / من و تو مجاز از همه مردم .

قلمرو فکری: دوران حکومت پهلوی مانند برزخ، پُر از درد و غم بود و چشم مردم جز تاریکیِ ظلم و ستم چیزی نمی‌دید.

(مفهوم: فراگیری ظلم و خفقان حاکم بر جامعه)

دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آیینه دار من و تو

قلمرو زبانی:

نکات دستوری: دیروز: قید/ در: حرف اضافه/ غربت: متمم/ باغ: مضاف‌الیه/ من: نهاد/ بودم: غیراسنادی (وجود داشتن)/ و:

t.me/DaneshSad

حرف ربط هم پایه ساز/ یک: صفت شمارشی/ چمن: ممیز/ داغ: نهاد/ فعل «بود» به قرینه لفظی حذف شده است./ امروز: قید/ خورشید: نهاد/ در: حرف اضافه/ دشت: متمم/ آیینه دار: مسند/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه / فعل «است» در مصراع دوم به قرینه معنوی حذف شده است / بیت سه جمله دارد./ ترکیب‌های اضافی: غربت باغ، آینه دار من، آینه دار تو/ ترکیب وصفی: یک داغ

قلمرو ادبی: دیروز و امروز: تضاد و مجاز از قبل و بعد از انقلاب/ باغ و داغ: جناس ناقص اختلافی/ من و چمن: جناس ناقص افزایشی/ باغ و چمن و دشت: مراعات نظیر/ غربت باغ: اضافه استعاری/ خورشید آینه دار باشد: تشخیص/ باغ: استعاره از جامعه ایران/ دشت: استعاره از ایران (وطن) / یک چمن داغ: کنایه از غم و اندوه بسیار/ داغ: ایهام تناسب ← ۱- غم ۲- بسیار گرم (که با خورشید تناسب دارد.)/ تشبیه: خورشید به آیینه دار/ واج‌آرایی: حرف «د»/ دیروز: مجاز از قبل از انقلاب (حکومت پهلوی) / آیینه دار: کنایه از راهنما / خورشید: استعاره از امام خمینی (یا: انقلاب).

قلمرو فکری: در رژیم گذشته، من و وطنم پر از غم و غصّه بودیم، اما در دورهٔ جدید، رهبر انقلاب (امام خمینی) ما را به سوی پیشرفت و روشنایی رهبری می‌کند.

(معنی دیگر مصراع دوم: امروز خورشید پیروزی در دشت طلوع کرده و همه جای وطن آیینه دار من و تو و تجلّی حضور ما خواهد بود.) *(مفهوم: نوید امید به آزادی و پیروزی و شادمانی برای پایان غم و اندوه و ظلم و ستم)*

غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

قلمرو زبانی: نکات دستوری:[ما: نهاد محذوف]/ غرق: مسند/ غبار: مضاف‌الیه/ یم: مخفف فعل اسنادی/ و: واو عطف/ غربت: معطوف به مضاف‌الیه / با: حرف اضافه/ من: متمم / بیا: فعل امر/ [به] سمت: حرف اضافه/ باران: متمم / صد: صفت شمارشی/ جویبار: نهاد/ است: فعل اسنادی/ اینجا: قید/ در انتظار: گروه متممی در نقش مسند/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ ترکیب وصفی: صد جویبار، این جا/ ترکیب‌های اضافی: غرق غبار، غرق غربت، انتظار من، انتظار تو.

قلمرو ادبی: غبار: استعاره از خفقان و ظلم/ باران: نماد رویش و سبزی و مجاز از آزادی/ جویبار: نماد حرکت آزادی خواهان و مجاز از رهایی / صد: مجاز ازکثرت / باران و جویبار: مراعات نظیر/ غرق در غبار و غربت: استعاره مکنیه وکنایه از سیاه روزی و شوربختی/ منتظر بودن جویبار: تشخیص/ غرق چیزی بودن: کنایه ازتحت تأثیر کامل چیزی قرار گرفتن/ واج‌آرایی با حرف «غ» و مصوت «آ» .

قلمرو فکری: ما در جامعهٔ پر از ظلم و اندوه زندگی می کنیم؛ با من به سوی آزادی بیا. جریان های انقلابی زیادی که به سوی رهایی می روند، در انتظار من و تو می باشند.

(مفهوم: از بین رفتن غم و اندوه با پیروزی انقلاب و حرکت به سوی آزادی)

این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

قلمرو زبانی: نکات دستوری: این: صفت اشاره/ فصل: نهاد/ فصل: مسند/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ است: فعل اسنادی/ فصل: مسند/ شکوفایی: مضاف‌الیه/ ما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه/ فعل «است» در پایان مصراع اول حذف به قرینه لفظی شده است./ برخیز: فعل امر/ با: حرف اضافه/ گل: متمم/ بخوانیم: مضارع التزامی/ اینک: نهاد/ بهار: مسند/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ «است» در مصراع دوم به قرینه لفظی حذف شده

t.me/DaneshSad

است./ ترکیب‌های وصفی: این فصل/ ترکیب‌های اضافی: فصل من، فصل تو، فصل شکوفایی، شکوفایی ما، بهار من، بهار تو.

قلمرو ادبی: فصل: مجاز از زمان انقلاب اسلامی/ شکوفا شدن: کنایه از رشد یافتن و پیشرفت/ با گل بخوانیم: تشخیص/ من و تو: مجاز از همه مردم / فصل و شکوفایی و گل و بهار: مراعات نظیر/ گُل: نماد و استعاره از انقلاب و مردمی که در آن شرکت داشتند (جریان انقلاب)/ بهار: نماد پیروزی و آزادی/ واژه‌آرایی: تکرارکلمه «فصل»/ فصل: ایهام تناسب ←۱- فصل سال ۲- فصل به معنای بخشی از یک کتاب با «بخوانیم» تناسب دارد.

قلمرو فکری: دوران بعد از انقلاب، زمان پیشرفت و شکوفایی ما است. به پاخیز تا با انقلاب (یا: امام خمینی) به آزادی برسیم و استعداد خود را شکوفا کنیم. *(مفهوم: تأثیر انقلاب بر شکوفایی استعدادها و رسیدن به آرزوها و آرمان ها)*

با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم در باغ می ماند ای دوست، گُل یادگار من و تو

قلمرو زبانی: نکات دستوری: با: حرف اضافه/ این: صفت اشاره/ نسیم: متمم/ سحرخیز: صفت/ برخیز: فعل امر/ اگر: پیوند وابسته‌ساز/ جان: مفعول/ سپردیم: ماضی ساده/ در: حرف اضافه/ باغ: متمم/ می ماند: مضارع اخباری/ ای: نشانه ندا/ دوست: منادا / بعد از منادا، فعل به قرینه معنایی حذف شده است./ گُل: نهاد/ یادگار: ← برای «یادگار» دو نقش می توان در نظر گرفت: ۱- متممی که حرف اضافه آن حذف شده است: [به عنوان] یادگار ۲- بدل برای گُل/ من: مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه/ ترکیب وصفی: این نسیم، نسیم سحرخیز/ ترکیب اضافی: یادگار من، یادگار تو.

قلمرو ادبی: جان سپردن: کنایه از مرگ، شهادت/ نسیم: نماد حرکت و پویندگی/ نسیم سحرخیز: استعاره از حرکت های انقلاب/ گُل: استعاره از نتایج انقلاب، دستاوردهای انقلاب، نماد طراوت و پاکی/ باغ و گل - نسیم و سحر: مراعات نظیر/ باغ: استعاره از ایران / سحرخیز بودن نسیم: تشخیص

قلمرو فکری:با این انقلاب، تو هم به پا خیز که حتی اگر در این راه شهید شدیم، انقلاب و آزادی به عنوان یادگار در وطن باقی می‌ماند. *(مفهوم: تشویق به حمایت از انقلاب و جان فشانی – ماندگار بودن نتایج انقلاب)*

چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

قلمرو زبانی: نکات دستوری: چون: حرف اضافه/ رود: متمم/ امیدوارم: مسند/ «م»: مخفف فعل اسنادی است. (امیدوار هستم)/ بی تاب: مسند /«م»: مخفف فعل اسنادی / «و» در مصراع اول: حرف ربط هم‌پایه‌ساز/ بی قرار: مسند/«م»: مخفف فعل اسنادی (بی قرار هستم)/ من: نهاد/ می‌روم: مضارع اخباری/ سوی: حرف اضافه/ دریا: متمم / جای قرار من و تو: گروه بدلی ←جای: بدل/ قرار: مضاف‌الیه/ من: مضاف‌الیه مضاف‌الیه/ و: واو عطف/ تو: معطوف به مضاف‌الیه مضاف‌الیه/ «و» در مصراع دوم: واو عطف/ بیت چهار جمله دارد، مصراع اوّل سه جمله با ساختار «نهاد+ مسند+ فعل اسنادی» و مصراع دوم یک جمله است. ترکیب اضافی: جای قرار، قرار من، قرار تو .

قلمرو ادبی: چون رود: تشبیه خود شاعر به رود/ رود: نماد جریان های انقلابی/ دریا: نماد وحدت و یکپارچگی - استعاره از رهایی و آزادی / رود ، دریا: مراعات نظیر/ بی قرار و قرار: تضاد / قرار: ایهام ۱- محل قرار ملاقات ۲- آرامش/ امیدواری و بی تابی و بی قراری رود: تشخیص/ واژه‌آرایی: تکرار «من»

قلمرو فکری: من همچو رود بی‌تاب و بی‌قرارِ رسیدن به دریا هستم. من به سمت انقلاب مردمی می‌روم. همان جایی که وعدهٔ دیدار و محل آرامش همه ماست.

(مفهوم: توصیه به اتحاد و پیوستن به انقلاب)

t.me/DaneshSad

کارگاه متن پژوهشی درس دهم

قلمرو زبانی

۱–در متن درس، واژه‌ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد؟

غربت (دوری) ⇦ قربت (نزدیکی)

۲–انواع « و» (ربط، عطف) را در بیت آخر مشخص کنید .

بی تابم و بی قرارم: واو ربط جای قرار من و تو : واو عطف

۳–در متن درس، کدام گروه های اسمی، در نقش «مفعول» به کار رفته اند؟

الف) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم **«برگ و بار من و تو»** ب) غیر از شب آیا **«چه»** می دید چشمان تار و من تو

قلمرو ادبی

۱–در متن درس، برای کاربرد هریک از آرایه های «تشخیص» و «تشبیه» دو نمونه بیابید:

تشخیص: صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو / برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

تشبیه: امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو / چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم

۲–در بیت زیر، «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟

آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو ؟

برزخ سرد: نماد ایران قبل از انقلاب که پر از خفقان و استبداد بود. شب: نماد ظلم و ستم

قلمرو فکری

۱– مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم من می روم سوی دریا جای قرار من و تو

اتحاد و همبستگی مردم و همراه شدن با جریان انقلاب

۲–توضیح دهید بیت زیر با فصل ادبیات انقلاب اسلامی چه مناسبت و پیوندی دارد؟

دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آیینه دار من و تو

فصل ادبیات انقلاب اسلامی بیانگر تحولات فکری،اجتماعی و فرهنگی مردم پس از انقلاب است؛ این بیت نیز به خوبی نشان می‌دهد که چگونه کشور از تاریکی و خفقان گذشته، به روشنی و امید پس از انقلاب رسیده است.

۳–درباره ارتباط موضوعی هریک از سروده‌های زیر با متن درس توضیح دهید.

الف) از خورشید و از آب و از باد و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک فردوسی

با بیت ششم (با این نسیم سحر خیز....)درس ارتباط دارد.

در بیت فردوسی به جاودانگی نام و گفتار نیک انسان اشاره دارد. همین موضوع در بیت ششم هم به نوعی یادآوری شده و می‌گوید که دستاوردهای نظام اسلامی، به عنوان یادگار از شهدا تا ابد در کشور باقی می‌مانند.

ب)ای منتظر مرغ غمین در آشیانه/ من گل به دستت می دهم، من آب و دانه.../می کارمت در چشمها گل نقش امید/ می بارمت بر دیده ها باران خورشید. سیاوش کسرایی

با بیت سوم (دیروز در غربت باغ ...) ارتباط دارد.

هر دو بیت به پایان غم و اندوه و فرا رسیدن امید و شادی اشاره دارند.